



الحمد بن اسحاق

نماینده ویژه امام حسن عسکری

عبدالکریم پاک نیا

شیعیان قم بود، و وجوهات جمع آوری شده را در سفرهای متعدد به حضور امام علیه السلام تقدیم می‌کرد. همچنین برای تحصیل علم و کمال از محضر پیشوایان معصوم، مسافرت‌هایی به سامرا و ناحیه حجاز داشته است. از دیگر توفیقات احمد بن اسحاق این است که به جز امام یازدهم، به محضر سه امام دیگر نیز (امام جواد و امام هادی و حضرت مهدی علیهم السلام) نایل آمده و معجزاتی را از آن بزرگواران مشاهده کرده و جواب نامه‌هایی از طرف حضرت ولی عصر ارواحنا فداء (که اصطلاحاً توقيع گفته

احمد بن اسحاق قمی، عالمی جلیل القدر، فقیه‌ی پرهیزگار و نماینده ویژه و مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام در شهر قم بود. همچنین این محدث بزرگوار قرن سوم، یکی از چهره‌های درخشان شیعه است که در عصر خود مورد عنایت امام زمان خویش قرار گرفت.

افزون بر آن، او مرجعیت دینی ویژه‌ای نیز در قم داشت. حتی زمانی مسئولی اوقاف و روزگاری کارگزار پیشوای یازدهم شد. احمد بن اسحاق دوست خصوصی و محرم راز امام عسکری علیه السلام و رابط بین حضرت و

اسحاق، از اصحاب ائمه علیهم السلام و از محدثین بزرگ و مؤلفین بر جسته بوده و از ائمه هدی علیهم السلام روایات بسیاری نقل کرده‌اند که در کتابهای معتبر حدیث از جمله در کتب اربعه به چشم می‌خورد.^۳

اجداد این مرد پر تلاش و ممتاز قمی در شهر کوفه سکونت داشتند و از طایفه مشهور و معروف اشعری بوده‌اند. جد چهارم احمد بن اسحاق، احوص بن سائل اشعری در سال ۱۲۱ ه.ق در قیام زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام شرکت کرد و فرماندهی سپاه او را بر عهده گرفت و بعد از شهادت زید، به همراه دیگر یاران آن شهید دستگیر شد. بعد از چهار سال حبس، در زندان حجاج، با شفاعت برادرش عبد الله آزاد شد و

۱. رجال شیخ طوسی، اصحاب امام عسکری علیه السلام، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۷؛ رجال نجاشی، ابو العباس نجاشی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۸ق، ص ۹۱، شماره ۲۲۵.

۲. همان.

۳. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، نشر اسلامی، تهران، ۱۳۳۸ش، ج ۲، ص ۴۱۳.

می‌شود) دریافت داشته است.^۱

عصر امام عسکری علیه السلام

برای شناخت شخصیت احمد بن اسحاق ناچاریم تأملی در عصری که وی در آن زندگی می‌کرد و فعالیتهاي حضرت عسکری علیه السلام داشته باشیم؛ چراکه حضرت مهم‌ترین تأثیر را در افکار و آرمانهای وی داشت. آن حضرت با وجود سخت‌ترین تدابیر امنیتی و فشارهای سیاسی، از هیچ کوششی در راه انجام وظیفه خطیر امامت فروگذاری نمی‌کرد. از جمله فعالیتهاي آن حضرت می‌توان به تربیت انسانهای کارآمد اشاره کرد.

امام علیه السلام با اقدامات سری، بین شیعیان مناطق مختلف ارتباط ایجاد می‌کرد و از طریق نمایندگان و سفرها و اعزام پیکها و نامه‌ها به آنان، در نگهبانی از شریعت آسمانی می‌کوشید. شیخ طوسی علیه السلام در کتاب رجالش حدود صد نفر را نام می‌برد که با حضرت ارتباط داشته، از یاران و شاگردان بر جسته اش محسوب می‌شدند که یکی از آنان احمد بن اسحاق است.^۲

از تبار پاکان

بسیاری از خویشاوندان احمد بن

است که زندگی و مرگ او با زندگی و مرگ مادر آمیخته است.^۳

محرم راز حضرت عسکری علیه السلام

چنان که گفتیم، احمد بن اسحاق از نزدیک ترین یاران امام عسکری علیه السلام نیز محسوب می شد و با اینکه در شهر قم می زیست، علاقه اش به امام عسکری علیه السلام او را از قم به سامرا می کشانید. به این ترتیب، از دریای کمالات یازدهمین کوکب فروزان امامت توشه ها برگرفت. او به عنوان محرم اسرار امام از برخی رازها آگاه می شد که یکی از آنها خبر ولادت با سعادت حضرت بقیة اللَّهِ الاعظم (ارواحنا فداء) است که امام عسکری علیه السلام توسط پیک ویژه خویش، احمد را از تولد فرزندش آگاه ساخت. متن نامه حضرت که با دست خط مبارک خویش خطاب به احمد بن اسحاق نوشته، چنین است:

۱. احمد بن اسحاق، امین امامت، ناصر باقری بیدهندی، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۵.

۲. معجم رجال الحديث، سید ابو القاسم خویی، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۷.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۲۱۲.

همراه او به قم هجرت کردند و طایفه بزرگ شیعیان اشعری را بینان نهادند.^۱ پدرش؛ اسحاق بن عبد اللَّه بن سعد از راویان مورد اعتماد و محدثان عادل قم بود. او به محضر امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام شرفیاب شد و از محفل الهی آن دو بزرگوار توشه برچید. بزرگان علم رجال از او به نیکی یاد کرده و به عدالت‌ش تصریح نموده‌اند. احمد بن زید، محمد بن ابی عمیر، علی بن بزرگ و افرادی دیگر از اسحاق - که تا قبل از سال ۱۸۳ هجری زنده بوده است - روایت نقل کرده‌اند.^۲

منزلت خاندان اشعری

برای شناخت این خاندان، به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می‌کنیم. عیسی بن عبد اللَّه قمی، یکی از افراد ممتاز خاندان اشعری، ملاقاتی با حضرت صادق علیه السلام داشت. امام بعد از استقبال گرم، میان دو چشم عیسی را بوسید و فرمود: «عیسی از ما اهل بیت است». یکی از حاضران پرسید: عیسی از اهل قم است، چگونه می‌تواند از شما اهل بیت باشد؟ حضرت در پاسخ فرمود: «عیسی بن عبد اللَّه، مردی

را خالی از حجت قرار نداده است و تا
قيامت هم خالی نخواهد گذاشت؛
حجتی که به واسطه او گرفتاریها را از
أهل زمین دفع می‌کند و به سبب او
باران نازل می‌شود و به میمنت وجود
وی برکات نهفته در دل زمین را آشکار
می‌سازد».

احمد پرسید: یا ابن رسول الله!
حجت خدا بعد از شما کیست؟
حضرت به درون خانه رفت و لحظه‌ای
بعد کودکی سه ساله را که رخسارش
همچون ماه شب چهارده می‌درخشید،
در آغوش گرفته، بیرون آورد و فرمود:
«ای احمد بن اسحاق! اگر در نزد
خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام مقامی
والا نداشتی، فرزندم را به تو نشان
نمی‌دادم. این کودک هم نام و هم کنیه
رسول خدا علیه السلام است و همین کودک
است که زمین را بعد از آنکه از ظلم پر
شد، پر از عدل خواهد کرد. ای احمد
بن اسحاق! فرزندم همانند خضر و
ذوالقرنین است. به خدا سوگند او
غیبی خواهد داشت و در زمان غیبت،

«فرزند ما متولد شد. باید آن را از
دیگران پوشیده بداری؛ زیرا ما به جز دوستان
نزدیک خوش کمی را از آن آگاه نکرده‌ایم و
ما دوست داشتیم که به تو خبر دهیم تا
خداآوند تورا به وسیله این خبر خوشحال
گرداند. همان طور که ما هم خوشحال
شده‌ایم والسلام».^۱

دیدار مهدی موعود علیه السلام

در اثر اختناق سیاسی که از سوی
حکمرانان عباسی اعمال می‌شد،
موضوع جانشینی بعد از حضرت
عسکری علیه السلام در هاله‌ای از ابهام قرار
داشت و غیر از دوستان مورد اعتماد
کسی از آن آگاه نبود. شیعیان در این باره
از احمد بن اسحاق که نماینده حضرت
بود، سؤالاتی کردند و او برای اینکه در
این باره اطلاعات بیشتری کسب کند
و جانشین حضرت را با چشم خود
ببیند، عزم سفر کرد و در شهر سامرا به
محضر حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب
شد. قبل از اینکه لب به سخن بگشاید
و در مورد جانشین ایشان سؤال کند،
امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! خداوند
متعال از اول خلقت آدم تا امروز زمین

۱. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، نشر
الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ، ق. ۵۱، ص ۱۶ و ۷۷.

تا از احمد بن اسحاق بپرسم؛ زیرا او بهترین همشهری من و نزدیک‌ترین دوست امام حسن عسکری علیه السلام بود. وقتی به دنبال او رفتم، معلوم شد به قصد سفر به سامرا از شهر خارج شده است. بی‌درنگ به راه افتادم، در بین راه او را ملاقات و علت دیدار را بیان کردم و گفتم طبق معمول پرسش‌هایی آورده‌ام که جواب بگیرم. وی در حالی که از این دیدار خوشحال بود، به من گفت: خوب شد آمدی، همراه‌م باش؛ زیرا من به شوق دیدار مولا‌یمان حضرت عسکری علیه السلام به سامرا می‌روم و سؤالاتی در رابطه با تأویل و تنزیل قرآن دارم. با هم برویم و پاسخ‌هایمان را از منبع وحی بگیریم؛ زیرا اگر به محضر آقا بررسی، با دریابی از شکفتیهای تمام ناشدنی و غرائب بی‌پایان رویرو خواهی شد.

وقتی وارد سامرا شدیم، مستقیماً به منزل امام عسکری علیه السلام رفتیم و بعد از کسب اجازه، یکی از خدمتگزاران ما را به داخل منزل راهنمایی کرد. وقتی

غیر از شیعیان ثابت قدم و دعاکنندگان در تعجیل فرجش، کسی اهل نجات نخواهد بود.

احمد از امام علیه السلام پرسید: سرورم! آیا نشانه‌ای هست که مطمئن شوم این کودک همان قائم آل محمد علیهم السلام است؟ در این هنگام کودک لب به سخن گشود و گفت: *(أَنَا بَيْنَهُ اللَّهُ فِي أَزْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنِي يَا أَخْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ، مِنْ أَخْرِينَ حَجَّتْ خَدَابِرَ رَوِيَ زَمِينَ هَسْتَمْ وَازْ دَشْمَنَانَ أَوْ انتقامَ خَوَاهِمْ گَرَفْتَ، أَيْ أَحْمَدَ!* وقتی حقیقت را با چشم خود دیدی، دیگر نشانه‌ای مخواه!»

احمد بن اسحاق از اینکه توانسته بود هم پاسخ سؤال خویش را دریافت کند و هم آخرین سفیر خداوند را مشاهده نماید، بسیار شاد شد. فردای همان روز با اشتیاقی افزون‌تر به دیدار امام عسکری علیه السلام شتافت و پاسخ بقیه سؤالات خویش را دریافت کرد.^۱

سوق وصال یار

سعد بن عبد الله اشعری، یکی از محدثین نامدار شیعه، مسی‌گوید: سؤالات زیادی را یادداشت کرده بودم

سزاوار است دستهای پاکم را به این
هدایای آلوده که حلال آن به حرامش
مخلوط شده است، دراز کنم؟

امام علی^ع به احمد فرمود: ای فرزند
اسحاق! محتویات کيسه را خالی کن تا
فرزندم (مهدی علی^ع) حلال را از حرام
 جدا کند. احمد کيسه هارا یکی پس از
دیگری بیرون آورد و آن کودک آنها را
با نام صاحب سکه، محل سکونت
صاحب آن، مقدار سکه ها، چگونگی
به دست آوردن آن مال و علت حلال و
حرام بودنش را مشخص فرمود. احمد
که آنها را باز می کرد، همان طور
می یافت که آن کودک فرموده بود، تا
اینکه کيسه ها تمام شد....

امام عسکری علی^ع فرمود: راست
گفتی فرزندم! آن گاه حضرت خطاب به
احمد گفت: ای پسر اسحاق! تمام این
پولها را جمع کن و به صاحبانشان
برگردان و یا سفارش کن به آنها
برسانند. ما نیازی به آنها نداریم. فقط
پارچه آن پیرزن را بیاور! احمد که آن
پارچه را در خورجین جا گذاشته بود،
خواست به بیرون از خانه برود و آن را
بیاورد. امام عسکری علی^ع رو به من کرد

وارد شدیم، صحنه‌ای دیدم که
زیبایی اش را نمی‌توانم مجسم کنم.
وقتی چشمم به جمال دل‌آرای
حضرت عسکری علی^ع افتاد، مشاهده
کردم که رخسارش مانند ماه شب
چهارده می درخشید و کودکی روی
زانویش نشسته بود که در شکل و
زیبایی به سیاره مشتری شباht
داشت. موی سرش از دو سوتا
بناگوش می‌رسید و میان آن باز بود،
مانند الفی که در بین دو واو قرار گیرد.
به حضرت سلام کردیم. آقا که
مشغول نوشتن نامه بود، با مهربانی
جوab فرمود و ما را به حضور
پذیرفت.

در ادامه این دیدار، احمد بن
اسحاق امانتهای ارسالی را که شامل
صد و شصت کيسه درهم و دینار
ممکور به نام صاحبانشان بود و در
داخل یک کيسه بزرگ قرار داشت، به
محضر حضرت تقدیم کرد. امام
عسکری علی^ع رو به کودک کرد و فرمود:
فرزندم! هدایای دوستان و شیعیان را
تحویل بگیر! کودک لب به سخن
گشود، عرضه داشت: آقای من! آیا

می خواند.^۱

عنایت ویژه امام به احمد

احمد بن اسحاق می گوید: روزی در یکی از ملاقاتها به خدمت حضرت ابی محمد امام عسکری ع رسیدم و درخواست کردم چیزی بنویسد که من خطش را ببینم تا هر وقت دیدم، بشناسم. فرمود: بسیار خوب، سپس فرمود: ای احمد! خط با قلم درشت و ریز در نظرت مختلف می نماید. مبادا به شک افتی! (اسلوب خط را ببین، نه ریز و درشتیش را!) آنگاه دوات طلبید و خط نوشت. وقتی می نوشت، با خود گفتم: تقاضا می کنم قلمی را که با آن می نویسد، به من ببخشد، چون از نوشتمن فارغ شد، بامن حرف می زدو تا مدتی قلم را با دستمالش پاک می کرد. سپس فرمود: بگیر، ای احمد! و قلم را به من داد.^۲

هدیه حضرت مهدی ع

محمد بن احمد قمی، نامه‌ای به ناسیمه مقدسه حضرت مهدی ع

و فرمود: ای سعدا تو برای چه آمده‌ای؟ عرض کردم: احمد مرا به زیارات شما تشویق کرد. حضرت فرمود: مسائلی را که می خواستی بپرسی، چه شد؟ گفتم: آقا! همچنان بدون جواب مانده‌اند. فرمود: از نور چشم من سؤال کن و به کودک خردسال اشاره نمود.

من سؤالهایم را مطرح کردم و جوابهای کافی را از او گرفتم، تا اینکه وقت نماز رسید. در این موقع، امام عسکری ع با فرزند گرامی اش برخاسته، آمده نماز شدند. من نیز از خدمت آنها اجازه گرفته، به دنبال احمد بن اسحاق رفتم. وقتی او را پیدا کردم، دیدم که گریه می کند. پرسیدم: چرا گریه می کنی؟ گفت: پارچه امانتی را که امام ع از من خواست، گم کرده‌ام. گفت: ناراحت نشو، برو واقعیت را به حضرت بگو! او رفت و لحظه‌ای بعد در حالی که صلوات می فرستاد و شادی در صورتش موج می زد، برگشت. پرسیدم: چه شد؟ گفت: پارچه امانتی زیر پای امام پنهان بود و حضرت روی آن نماز

۱. همان، ص ۸۰ ح ۱ (همراه با تلخیص).

۲. اصول کافی، با ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، نشر اسلامیه، ص ۴۴۸، ح ۲۷.

این دانشمند فرزانه، علاوه بر چیره‌دستی در علم حدیث و احکام که مرجع خاص و عام بود و مردم برای حل مسائل دینی به او رو می‌آوردند، سفرهای متعددی به عراق و حجاز داشت که در این سفرها مسائل مختلف کلامی، علوم قرآنی و اطلاعات تاریخی را از ائمه آموخته بود و اطلاعات جامعی در این زمینه‌ها داشت.^۲

**موقعیت علمی و مرجعیت
مقبولیت همگانی داشت.** روزی محمد بن ابی العلاء و یحیی بن محمد که از دانشمندان شیعه بودند، در بحث تاریخی اختلاف پیدا کردند و بعد از مجادله و بحثهای طولانی، تصمیم گرفتند برای حل مسئله و یافتن حقیقت به احمد بن اسحاق قمی -که از یاران برجسته امام دهم و یازدهم طیلله بود- مراجعه کنند.

آن دو به قم سفر کرده، به منزل احمد بن اسحاق رفتند. احمد پاسخ صحیح را به صورتی بیان کرد که آن دو

نوشت و در ضمن آن یادآور شد که احمد بن اسحاق قمی می‌خواهد همراه من به سفر حج بباید و به هزار دینار نیازمند است. اگر صلاح می‌دانید، این مبلغ پول را به عنوان قرض به احمد بپردازم، تا پس از به جای آوردن مراسم و بازگشت به دیار خویش، قرضش را بپردازد. امام طیلله در جواب چنین مرقوم فرمود: این مبلغ را به عنوان هدیه به او می‌دهیم و پس از بازگشت از زیارت خانه خدانیز مبلغ دیگری به او خواهیم داد.^۱

مقام علمی

احمد بن اسحاق افزوون بر اینکه امین، وکیل و سفیر حضرت عسکری طیلله بود و بعد از ایشان نمایندگی امام زمان طیلله در شهر مقدس قم را بر عهده داشت، به عنوان یک محدث راستگو و مورد اعتماد دانشمندان امامیه مطرح و محسوب می‌شد. بنا بر نقل «معجم رجال الحديث» او در سلسله اسناد ۶۷ روایت قرار گرفته است و روایاتش در کتب حدیث شیعه مثل کتب اربعه و «غیبت» شیخ طوسی نقل شده است.

۱. رجال نجاشی، ص ۴۶۶.

۲. معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۳۶.

احمد بن اسحاق افزوں بر
اینکه امین، وکیل و سفیر
حضرت عسکری علیهم السلام بود و
بعد از ایشان نمایندگی امام
زمان علیهم السلام در شهر مقدس
قم را بر عهده داشت، به
عنوان یک محدث راستگو و
مورد اعتماد دانشمندان
امامیه مطرح و محسوب
می شد

شاگردان احمد بن اسحاق
۱. احمد بن ادریس قمی ملقب به ابو
علی اشعری (متوفی: ۳۰۶ هـ.ق) او سرآمد
فقها و محدثان امین امامیه در نیمه دوم سده
سوم هجری و از اصحاب امام حسن
عسکری علیهم السلام بود که حضرت با عنوان
«معلم» از وی یاد می کرد. کلینی و
تلعکبری از شاگردان برجسته اش به
شمار می آیند. نامش در سندهای بیش از

اظهار کردند: «حمد و شکر خداوند را
که تورادر دسترس ما قرار داد!»
روایتها و سؤال و جوابهای این
محدث عالیقدر از حضور ائمه علیهم السلام به
قدرتی اهمیت دارد که امروزه مدرک
فقهی فقهای بزرگ شیعه محسوب
می شود.

تألیفات

او نتیجه آموخته هایش از ائمه
طاهرين علیهم السلام را در قالب کتابهای متعدد
و در موضوعات مختلف جمع آوری
کرد که به عنوان نمونه می توان به سه
کتاب «علل الصوم»، «علل الصلوة» و
«مسائل الرجال» اشاره کرد.

اساتید

احمد بن اسحاق علاوه بر
اندوخته های علمی خویش از مکتب
اهل بیت علیهم السلام، از دانشمندان عصرش
نیز استفاده می کرد. وی از بسیاری از
بزرگان، حدیث نقل کرده است، از
جمله، عبد الله بن میمون، زکریا بن
آدم، زکریا بن محمد، یاسر خادم و
دیگر محدثین که در کتابهای معتبر
شرح مفصل آن بیان شده است.

۵. سعد بن عبد الله اشعری:
ابوالقاسم سعد بن عبد الله بن ابی خلف اشعری، بزرگ فقهای شیعه در نیمه دوم قرن سوم و معاصر با حضرت عسکری علیه السلام، عالی مورود اعتماد و والامقام بود. در سلسله سند نزدیک به ۱۱۴۲ حدیث قرار دارد و چهل اثر از او به جامانده است و از سی و هفت کتاب وی در اعیان الشیعه یاد شده است. «بصائر الدرجات» معروف‌ترین نوشته سعد بن عبد الله به شمار می‌رود.^۳

سهل بن زیاد آدمی رازی، عبد الله بن جعفر حمیری، عبد الله بن عامر اشعری، علی بن ابراهیم قمی، علی بن سلیمان زراری، محمد بن حسن فروخ صفار، محمد بن عبد الجبار قمی و محمد بن یحیی عطار قمی از دیگر شاگردان احمد هستند که در کتب معتبر به تفصیل از آنان یاد شده است.^۴

شخصیت اجتماعی

احمد بن اسحاق، وکیل ائمه در شهر

دویست و هشتاد حدیث به چشم می‌خورد. معروف‌ترین اثر احمد بن ادریس، کتاب «نوادر» است.^۱

۲. احمد بن علی بن ابراهیم: وی از راویان مورد اعتماد بود و شیخ صدوق روایتها فراوانی با استناد به او نقل کرده است.

۳. احمد بن محمد بن عیسی اشعری: وی نیز از فقیهان و محدثان نامدار قم بود و توفیق یافت که با امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام دیدار نماید. دانشمندان علم رجال نه تنها از وسعت اطلاع او و مهارت‌ش در حدیث خبر می‌دهند، بلکه قداست نفس و عظمت روحش را می‌ستایند. نامش در سند بیش از دویست و بیست و نه حدیث قرار دارد. آثار فراوانی چون «التوحید»، «المتعة»، «فضل النبی»، «فضائل العرب» و «كتاب المنسوخ» از احمد بن محمد به جامانده است.^۲

۴. حسین بن محمد اشعری قمی: بزرگان علم رجال او راثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. کتاب «نوادر» از اوست و کلینی روایات فراوانی را با استناد به وی نقل کرده است.^۳

۱. معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۳۰۴.

۳. رجال نجاشی، ص ۱۷۷.

۴. احمد بن اسحاق، امین امامت، ص ۶۴.

مراسمهای مختلف همچون ایام اعتکاف مملو از انسانهای وارسته و خداجو می‌شود و از زمانهای گذشته تا به حال همیشه علمای بزرگ و متقدی مانند آیة الله اراکی الله در این مسجد که شبستانهای متعدد دارد، امامت نموده‌اند. ایشان نمازهای جمعه را در این مسجد اقامه می‌فرمود که نگارنده نیز توفیق شرکت در آن را داشتم.

از دیدگاه امام زمان علیه السلام

حضرت ولی عصر علیه السلام در موارد گوناگونی این فقیه فرزانه را مورد عنایت ویژه قرار می‌داد. ابو محمد رازی می‌گوید: به اتفاق احمد بن ابی عبد الله بر قری در محله عسکر بودیم^۱ که پیک ویژه حضرت امام زمان علیه السلام از طرف ایشان نزد ما آمد و بعد از اینکه چند نفر از یاران امام علیه السلام را نام برد، خطاب به ما گفت: حضرت می‌فرماید: همه این افراد و احمد بن اسحاق مورد اعتماد ما هستند. همچنین در نامه‌ای که از ناحیه مقدسه حضرت قائم علیه السلام به عنوان احمد بن

۱. عسکر، منطقه‌ای نظامی در شهر سامرا بود که امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در زمان زمامداران عباسی مجبور به سکونت در آن بودند.

قم بود و تبلیغات دامنه‌داری در دفاع از اهل بیت علیهم السلام انجام می‌داد. وی پاسخگوی مسائل فقهی و اعتقادی مردم بود. وجهات آنان را جمع آوری می‌کرد و به محضر امام عسکری علیه السلام می‌رساند. در مورد موقوفات، اقدامات لازم را انجام می‌داد و برای اینکه فعالیتهاش را در کانونی متمرکز کند، به دستور امام، در قرن سوم هـ ق شروع به ساخت مسجد مهمی کرد که به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام معروف است. این مسجد امروزه یکی از بنای‌های قدیمی به شمار می‌آید و سالها است که شیعیان مخلص برای اقامه نماز، عزاداری و مراسمهای مذهبی و اجتماعی از آن استفاده می‌کنند.

ادیب الممالک فراهانی در قصیده‌ای طولانی این مسجد را توصیف کرده است که بخشی از ایاتش چنین است:

ای فلک لا جورد، گر به زمین بنگری
تن به تواضع دهی، سربه سجود آوری
ورفلک آرد به طاق، مهر و مه اندر نطاق
کونه بر این رواق، رایت پیغمبری
از حسن عسکری علیه السلام مانده به جا این بنا
معنی ام القری، زاده شاه خری
مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در

خویش را همراه با کفن از حضرت ولی عصر علیه السلام دریافت کرد. شیخ ابو عمرو کشی می گوید: «ابو عبد الله بلخی، طنی نامه‌ای که به من نوشت، از حسین بن روح قمی سخن به میان آورد و از جمله در آن نامه نوشته بود که حسین بن روح می گوید: احمد بن اسحاق نامه‌ای به ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام نوشت و اجازه خواست که به حج برود. حضرت نیز به وی اجازه داد و پارچه‌ای هم برایش فرستاد. احمد وقتی پارچه را دید، گفت: امام علیه السلام خبر مرگ مرا داده است و هنگام بازگشت از سفر حج در حلوان سر پل ذهاب درگذشت.^۲

و به این ترتیب احمد بن اسحاق در حدود سالهای ۲۶۰ تا ۲۶۳ ه.ق در استان کرمانشاه دیده از جهان فرو بست. مقبره‌اش امروزه در شهر سر پل ذهاب به طرز شایسته‌ای ساخته شده و دارای گنبد و بارگاه است و زیارتگاه شیفتگان اهل بیت علیه السلام می باشد. همعچنین در اردیبهشت سال ۱۳۸۵ همایشی در بزرگداشت آن بزرگمرد برگزار گردید.

۱. رجال کشی، محمد کشی، نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ هش، ص ۴۶۶، ش ۴۳۲.

۲. رجال کشی، ص ۴۶۶.

احمد بن اسحاق، وکیل ائمه در شهر قم بود و تبلیغات دامنه‌داری در دفاع از اهل بیت علیه السلام انجام می‌داد. وی پاسخگوی مسائل فقهی و اعتقادی مردم بود. وجهات آنان را جمع‌آوری می‌کرد و به محضر امام عسکری علیه السلام می‌رساند.

اسحاق صادر شد، عباراتی در تأیید وی به چشم می خورد، از جمله اینکه حضرت فرموده بود: خداوند نگهدار تو باشد و تو را پاینده بدارد! نامه‌ات به همراه ضمیمه‌اش به من رسید. ای احمد بن اسحاق! خدا تورا رحمت کند. ... خداوند توفیقات تو را افرون گرداند.^۱

سفر و صل

ستاره تابناک قم، بعد از یک عمر تلاش در راه احیای ارزش‌های اسلامی و معنویات ائمه اطهار علیهم السلام، خبر رحلت